



گزارش
نشست

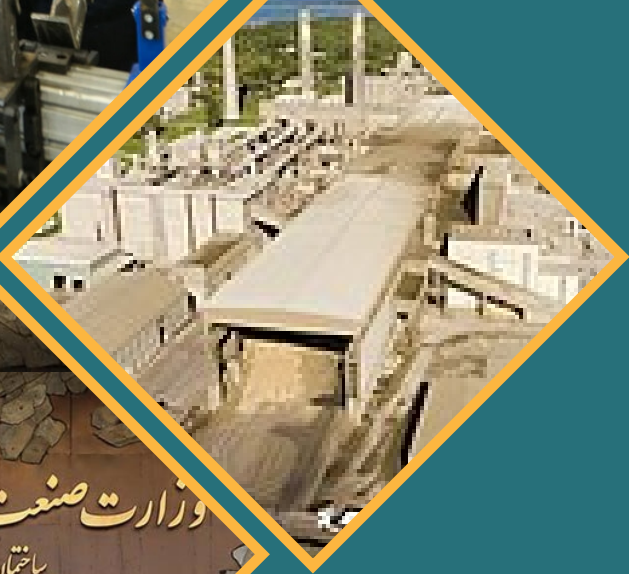
سلسله نشست‌های

نقشه کلان راهبردی صنعت

نشست ۴

بررسی و نقد سند سیاست‌های

صنعتی ایران در افق ۱۴۰۴



وزارت صنعت، معدن و تجارت
ساختمان شهیدان مری

پاییز ۱۴۰۲



بررسی و نقد سند سیاست‌های صنعتی ایران در افق ۱۴۰۴ - نشست چهارم	عنوان نشست
پژوهشکده سیاست‌پژوهی و مطالعات راهبردی حکمت	برگزار کننده
نشست تحلیلی - سیاستی	نوع نشست
جناب آقای حسین حیدری رمی	سخنران
جناب آقای محمدباقر شیرمهنجی	دبیر نشست
۱۴۰۱/۱۲/۱۰	زمان برگزاری
۱۲	تعداد حاضران
علیرضا خزائی، محمدباقر شیرمهنجی	تنظیم کنندگان خلاصه نشست



درآمد / مقدمه

با این مقدمه شروع می‌کنیم که کلید برون‌رفت اقتصاد ما از وضعیت فعلی حرکت به سمت تولید و مولدسازی اقتصاد است. در حال حاضر به علت شرایط تورمی و بازدهی بیشتر بخش نامولد و سوداگری، این بخش در جامعه جذاب شده است و سرمایه‌ها به سمت این فعالیت‌ها می‌روند. چراکه با شکل‌گیری چالش‌های متعدد در مسیر بخش مولد، جذابیت آن کاهش یافت و علاوه بر آن ضعف در استراتژی‌های توسعه صنعتی باعث بهره‌وری پایین و به دنبال آن بازدهی کم بخش صنعت گردید. اگر این بخش مورد توجه قرار می‌گرفت و دارای نقشه راه مناسب بود، چالش‌های این مسیر حل می‌شد و به دنبال آن بازدهی در بخش مولد افزایش پیدا می‌کرد، وضعیت اشتغال در صنعت بهبود می‌یافت و جذابیت این بخش صنعت کشور افزایش پیدا می‌کرد.

کسب و کارهای مولد و صنعتی در این سال‌ها بازدهی پایینی نسبت به سایر بازارها داشتند. چرا که در شرایط تورمی قیمت‌داری‌ها افزایش می‌یابد و در این شرایط ترجیح تولیدکننده با توجه به چالش‌های تولید (بیمه، مالیات، آموزش نیروی کار و...)، ورود به بازارهای غیرمولد (سکه، ارز، مسکن، خودرو) است.

سلسله نشست‌های بررسی اسناد سیاست‌های صنعتی ایران بعد از دستور مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۴۰۱/۱۱/۱۰ در دیدار با فعالان صنعت مبنی بر تدوین یک نقشه کلان راهبردی صنعت مطرح شد و پس از آن پژوهشکده سیاست‌پژوهی و راهبردی حکمت، ۳ جلسه برای بررسی و نقد سندهای سال‌های ۱۳۸۲، ۱۳۸۵، ۱۳۹۲ و ۱۳۹۵ برگزار نمود و به بررسی و نقد این اسناد پرداخت. در این نشست که چهارمین نشست بررسی اسناد توسعه صنعتی کشور است به بررسی و نقد سند سیاست‌های صنعتی ایران در افق ۱۴۰۴ پرداخته شد و جناب آقای حسین حیدری دیدگاه خود در مورد موضوع را مطرح فرمودند.

خلاصه گفتگوها

آقای حسین حیدری رمی (سخنران):

ضرورت نگاه سیستمی در تدوین سندهای توسعه صنعتی

ما تجربه تدوین چهار سند استراتژی توسعه صنعتی را در کشور داشته‌ایم؛ اما مسئله‌ای که در این خصوص وجود دارد آن است که در خصوص همه‌ی سندهای تدوین شده، یک گام مثبت برای ارتباط ذهنی بهتر و دقیق‌تر و تفکر بیشتر درباره مبانی است تا ذهن ما آماده بشود و پس از آن در رابطه با سند صحبت کنیم؛ بنابراین من یک مقدمه کوتاهی راجع به اهمیت تفکر استراتژیک و روش‌های تحلیل سیستم‌های پیچیده عرض می‌کنم و سپس نکاتی را راجع به سند تدوین‌شده، تحت عنوان سند استراتژی توسعه صنعتی ۱۴۰۴ خدمت دوستان عرض خواهم کرد.

در این بررسی، سند بیشتر از منظر روش‌شناختی مورد تحلیل قرار گرفته است؛ اما یک نکته مهم این است که ما در تاریخ علوم اجتماعی و انسانی به اهمیت پرداختن به خود مواجه می‌شویم. اندیشمندان توسعه اقتصادی (که توسعه صنعتی هم یکی از اهرم‌های کلیدی توسعه اقتصادی شناخته می‌شود)، به بحث شروع از خود پرداخته‌اند. از جمله می‌توان به کارهای هیرشمن اشاره کرد که در آن توجه جدی به نقش خودشناسی در نیل به اهداف دارد؛ بنابراین ما تا زمانی که خود را نشناسیم موفق به این نخواهیم شد که مسیر اصلاحی و تربیتی را چه در بعد شخصی و چه در بعد اجتماعی که به معنای حرکت دادن جامعه و پرتاب جامعه از مدارهایی از تأمین معاش به مدارهای بالاتر تضمین‌کننده سعادت‌مندی و غنای معیشتی افراد باشد، انجام بدهیم.

پس از درک اهمیت توجه به خود، باید به اهمیت سطح‌بندی تحلیل‌های استراتژیک توجه کرد. زمانی که راجع به پدیده‌ها صحبت می‌کنیم، این پدیده‌ها در سطوح مختلف با روابط خاص میانشان، در حال پویایی هستند. برای شناخت خوب پدیده‌ها یکی از کارهای لازم، تجزیه این پدیده‌ها است. در رابطه با برنامه‌ها نیز به همین صورت است، برای تغییر در روش‌ها و وضع کنونی، مطابق آنچه که در دانش مدیریت به آن پرداخته شده است؛ باید گلوگاه‌ها و مشکلات را در سطوح مختلف سطح‌بندی کنیم. در برنامه‌ریزی استراتژیک، باید به این مسئله پرداخت که انگاره‌ها و آموزه‌ها، در سطوح مختلف تعریف و مدون بشوند. یک نقدی که به سند وجود دارد، همین مسئله است. در برنامه‌ریزی استراتژیک یک نظام ارزش وجود دارد که در رأس هرم وجود دارد و پس از آن به ترتیب بینش و چشم‌انداز، ماموریت‌ها، استراتژی‌ها (که باید سطوح بالاتر را هم شناسایی، احصاء و ذکر بکنند) و در پایین‌ترین سطح اهداف کاربردی و عملیاتی قرار



دارند. یکی از معضلات نظام برنامه‌ریزی کشور، صحبت در سطح نظام ارزشی، بینشی و چشم‌انداز است؛ اما

در سطح استراتژی، اهداف و اقدام‌های عملیاتی صحبتی نمی‌شود.

اما مسئله دیگر، ما در زمینه توسعه یک نگاه متوازن داریم که به این معناست که هنگام حرکت از وضع فعلی به وضع بهتر، هیچ‌کس نباید از دامنه منافی که تعریف می‌شود بیرون گذاشته شود. در توسعه صنعتی نیز اولین تلاش‌های جدی پس از جنگ جهانی دوم ناظر (توسط نورکس و روستو) به نگاه رشد متوازن بوده است؛ نگاه مطلوب ناشدنی است. در همه پدیده‌هایی که چه در طبیعت و چه در اجتماع و همچنین در اقتصاد و توسعه صنعتی مورد بررسی قرار می‌گیرند، پویایی‌هایی هستند که نامتوازن هستند (این به این معنا نیست که متوازن بودن نامطلوب است بلکه شدنی نیست).

نکته بعد، توجه به سطوح مختلف سیستم‌های اجتماعی و اقتصادی است. یک جامعه از سطوح مختلفی از سیستم‌ها با ارتباط ارگانیک تشکیل شده است که در هر سطح (خرد، میانی، کلان و زمان‌بند) نظام‌مندی‌های خاص خود را دارند. این سطوح تعریف‌شده توسط پژوهشگران سیستم‌ها، در برنامه‌ریزی استراتژیک هم کمک‌کننده و مهم است. تا زمانی که خودمان را شناسیم و به معنای سیستم تا زمانی که کارکردهای سطوح مختلف را از هم تفکیک نکنیم، توانایی تحقق عملکرد واقعی را نخواهیم داشت و تنها سخنان زیبا بیان می‌شود و اتفاقی رخ نمی‌دهد.

مسئله آخر قبل از شروع نقد و تحلیل تهیه روش سند استراتژی توسعه صنعتی ۱۴۰۴ این است که ما فرآیند تفکر استراتژیک را به عنوان یک فرآیند شناختی تعریف می‌کنیم که یکسری شاخ و برگ‌ها و خروجی‌ها پیدا می‌کند و این خروجی‌ها بعضاً به عنوان روش‌های برنامه‌ریزی مورد استفاده قرار می‌گیرند. به عنوان مثال فرض کنید، برای تحلیل سطح کلان در مدیریت، روش پستل^۱ که عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، تکنولوژیکی، حقوقی و زیست‌محیطی را در نظر می‌گیرد، مطرح می‌شود و بیان می‌کند که اگر بخواهیم محیط کلان را بشناسیم، سطح کلان به این صورت شناخته می‌شود؛ اما اصل اساسی طبق تجربه بشر این است که تفکر استراتژیک در معنای فرآیند شناختی اصل است و ابزارها فرع هستند. نه اینکه ما ابزارها را به مثابه ضمانت اجرایی شدن آنچه که انجام می‌شود، بدانیم.

^۱ عبارت PESTEL از کنار هم قرار گرفتن حرف اول شش کلمه انگلیسی تشکیل شده که عبارت‌اند از Social, Economic, Political, Legal, Environmental, Technological. این شش کلمه نشان‌دهنده عواملی هستند که در تحلیل پستل مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

بررسی و تحلیل سند سیاست‌های صنعتی ایران در افق ۱۴۰۴

در این سند، اولویت در صنعت یا رشته‌های صنعتی است که دارای مزیت بوده و ارزآور هستند (همراه با این، پارامترهای دیگر مشخص شده) که در سند به آن نگاه عمودی گفته شده است. به این معنا که زنجیره‌های ارزش آن رشته‌های فعالیت‌ها در کشور شکل بگیرد. برای مثال در زمینه فلزات اساسی و کانی‌ها از زنجیره معادن شروع کنیم و به محصولات پایین‌دستی برسیم که به این نگاه، نگاه عمودی می‌گوییم. نگاه افقی نیز به این معناست که محیط برای رشد این صنایع با پیگیری مسئله رونق تولید، ارتقاء فناوری و توسعه بازار هموار شود به این صورت که با پرداختن به یکسری از سیاست‌ها و اولویت‌ها ذیل این سه مسئله، بسترسازی برای رشد عمودی هر کدام از رشته‌های فعالیت‌ها ایجاد شود.

اما ایراد به این نگاه این است که سیاست افقی و عمودی باید به این صورت تعریف شود که ترکیبی از سیاست‌گذاری‌های سطوح مختلف بخش عمومی و خصوصی برای رشد یکسری رشته‌های فعالیت‌های خاص به صورت زنجیره‌ای تدوین شود. نگاهی که در سند وجود دارد یک مقدار شبیه به نگاه رشد متوازن هست، در حالی که در تجربه توسعه‌ای کشورهای نوظهور با پدیده رشد نامتوازن روبه‌رو هستیم.

نکته بعدی اینکه، شما هنگامی که می‌خواهید که یک کار تبدیل به نتیجه شود. باید اطراف درگیر و همچنین سیاست‌های موازی را شناسایی کنید و اصطلاحاً درخت‌های تاکسونومی یا ریشه دواندن سیاست‌گذاری در نهادهای مختلف بخش عمومی را ابتدا انجام دهید و مشاهده کنید که چند نهاد به صورت موازی پیگیر توسعه صنعتی هستند و یا منابع در چه مواردی صرف موازی‌کاری و همپوشانی می‌شود.

ایراد دیگری که در این سند از نظر روش‌شناسی وجود دارد این مورد است که به اهمیت سیاست‌پژوهی و تحلیل سیاست‌ها و به دلایل شکست نقشه‌های قبلی نپرداخته است. دوم اینکه دنیای رشد متوازن مطلوب را با ابزارهای برنامه‌ریزی استراتژیک می‌توان ترسیم کرد اما باید تصویری از وضع کنونی ارائه شود و جزئیات سطوح مختلف سیاست‌گذاری مشخص شود. مثلاً در تحلیل رشد صنعتی گره، بعد از آنکه فرآیند رشد صنعتی خود را در دهه ۶۰ میلادی آغاز کرد به این صورت بود که چیزی شبیه به عنوان کارگروه برنامه‌ریزی اقتصادی (می‌توان گفت شبیه به سازمان برنامه کشور



ما را ایجاد کرد که مستقیم به دفتر ریاست جمهوری متصل بود و این کارگروه امضای طلایی را به وزارتخانه‌های کلیدی ابلاغ می‌کرد. همچنین کانون‌های فکری وجود داشتند که در صورت‌بندی نحوه اجرا سیاست‌ها به وزارتخانه‌ها کمک می‌کردند. مغز متفکر این کارگروه برنامه‌ریزی اقتصادی، موسسه‌ای به اسم توسعه گره بوده است که خود از دانشگاه‌ها مشورت می‌گرفت و راهکارهایی را ارائه می‌داد؛ بنابراین مشاهده می‌شود که در کشور کره از مرحله اول توسعه صنعتی نهادها و اجرای برنامه‌های آن‌ها وجود داشته است؛ اما در ایران چنین چیزی نداریم و در سند نیز چنین چیزی وجود ندارد. ما از دهه ۳۰ شمسی با استراتژی‌های مختلف درگیر توسعه صنعتی بوده‌ایم. از دهه ۴۰ سیاست جایگزینی واردات را در پیش گرفته‌ایم که این سیاست هنوز همچنان در سیستم ما وجود دارد. در هر صورت توجه نکردن به ارائه تصویری از آنچه که هستیم مشکل‌ساز خواهد بود.

در تصویر ارائه شده از وضع کنونی باید این مورد نیز لحاظ شود که اقتصاد ما، اقتصادی است که دارای بخش رسمی و غیررسمی است و در صنعت نیز وضع به همین صورت است؛ بنابراین ما باید بخش غیررسمی را به رسمیت بشناسیم (اثرگذاری آن را در نظر بگیریم) و در برنامه‌ریزی‌های خود آن را لحاظ کنیم.

از سویی دیگر، این سند نهادهایی که باید در برنامه وارد شوند را نام می‌برد (که بسترسازی را باید انجام بدهند) اما نقش آن‌ها را به طور دقیق مشخص نمی‌نماید؛ همچنین برای نهادهای صنفی نقش کمی در سند دیده شده است. در حالی که در جامعه‌ای که اقتصاد غیررسمی وجود دارد، اگر برای نهادهای صنفی مسئولیتی قرار داده نشود منجر به رانت‌های نامولد می‌شود. به نظر بنده چه در عرصه اقتصاد و چه در عرصه توسعه صنعتی، ما با بحران هزینه مبادله روبه‌رو هستیم و یک موضوعی که خیلی در اینجا مهم است این است که اتاق بازرگانی با این که مسئولیتی به آن داده نمی‌شود، رانت‌های اطلاعاتی دریافت می‌کند و هزینه‌های مبادله را افزایش می‌دهد.

ما تا الان سطح کلان برنامه‌ریزی استراتژیک اقتصاد کره تا وزارتخانه‌ها را نشان دادیم. در سطح میانی و خرد نیز، در کشور کره، از شرکت‌های بزرگ خانوادگی (چائبول)^۲ استفاده کردند. دولت‌ها مشروط به رشد و پیشرفت چائبول‌ها، امتیاز و رانت مولد در اختیار آن‌ها قرار می‌دادند. این شرکت‌ها در واقع ارباب رشد و پیشرفت بخش صنعتی کره بوده‌اند.

^۲ در کره جنوبی به جای استفاده از عنوان گروه‌های کسب و کاری از اصطلاح چائبول (به معنی پول کلان) برای توصیف شرکت‌های بزرگ یاد می‌شود. سامسونگ، هیوندا، ال‌جی همگی چائبول‌های شناخته شده در کره و همچنین جهان هستند.

ما اگر بخواهیم چنین کاری را در اقتصاد ایران انجام بدهیم، یکسری نهادهای عمومی و دولتی و یکسری نهادهای خصوصی وجود دارد که این نهادها می‌توانند بر فضای هزینه مبادله فوق‌العاده بالا و فشارهای سیاسی و رانت‌های نامولد سیاسی غلبه کنند. هنگامی که **نقش این نهادها را به رسمیت شناخته نشود** و (اثرگذاری آن‌ها در اقتصاد بیان نشود) برنامه‌های وزارت صمت تنها در سطح جلسات ارزشمند خواهد بود و تأثیری بر زندگی مردم نخواهد داشت.

به اعتقاد بنده، رشد و توسعه‌ای که ما در بعضی از موارد مانند فولاد و داروسازی پیدا کردیم، این‌ها متأثر از سند توسعه صنعتی کشور نبوده است و ارتباطی بین عاملان سیاست و این سندهای استراتژیک وجود ندارد.

مسئله دیگری که مهم به نظر می‌رسد توجه به کیفیت است. یکی از انتقادات جدی، به معیار GDP سرانه برای اندازه‌گیری رشد و توسعه اقتصادی این است که نمی‌تواند کیفیت را به خوبی لحاظ بکند. در اقتصاد ما (و توسعه صنعتی کشور) نیز یکی از مشکلات اساسی و کلیدی، عدم توجه به اهمیت و نقش کیفیت است. در توسعه صنعتی اگر با همان منابع، کیفیت محصولات افزایش یابد، عملاً این به معنای رشد بهره‌وری محسوب می‌شود و رشد بهره‌وری یک نوع رشد صنعتی است، حتی اگر معیارهای حسابداری ملی نتواند آن را شناسایی کند. **توجه به کیفیت** در این سند مغفول مانده و نقش سازمان ملی استاندارد هم در آن دیده نشده است.

ما در کشورهای در حال توسعه و نوظهور با حلقه‌های در هم قفل‌شده مواجه هستیم. این حلقه‌ها به معنای عدم تعادل در حوزه‌های مختلف است. در این شرایط **باید اولویت‌ها را مشخص کرد**. در غیر این صورت گزارشات بی‌فایده و فاقد مصرف خواهند بود.

ایراد دیگری که بر این سند وارد است این است که نقش و جایگاه شاخص‌های جهانی و جهانی‌شدن در آن جدی است. البته دوستان در تحلیل برنامه ۱۳۹۵ به این نکته پرداختند که سیاست‌های لیبرالیستی در صدر چهارچوب ذهنی افراد است؛ اما **اتکا به این شاخص‌ها بدون رویکرد سیستمی بدون فایده است**. این سند به جای نگاه فعالانه و اولویت‌بندی سیاست‌گذاری در سطوح مختلف از سطح کلان به سطح بنگاه و نگاه به خود (شناختن خود)، دیگران را می‌بیند.

فرآیند اندیشه‌ورزی فعالانه یکی از مهم‌ترین ارکان رشد و توسعه صنعتی است. این فرآیند، یک فرآیند شناختی است. رشد نامتوازن، تعیین اولویت‌ها، تعیین سیگنال‌های رشد، نگاه عمودی به جای افقی یک رویکرد فعالانه

است و اساساً به نوعی چشم‌انداز صنعتی خود را تربیت می‌کنیم تا به سطح بالاتری صعود کند. در یک همچین مسیری بعضاً رویکردهای متناقض ایرادی ندارد. من در بخش بعد مثالی از صنعت فولاد خواهم گفت تا نشان دهیم که نگاه متوازن به چه منجر شده است.

بر اساس سند طرح جامع فولاد در افق ۱۴۰۴ که خود به گونه‌ای یک برنامه استراتژیک است. در افق ۱۴۰۴ (جدای از اینکه بر خلاف روش‌های جهانی، ظرفیت‌ها را به صورت خطی به یکدیگر وصل کرده است) در نظر گرفته شده است که



باید ۵۵ میلیون تن شمش فولاد خام و ۴۶ میلیون تن مقاطع مختلف فولادی تولید شود.

این در حالی است که در طرح‌های فعال در دست احداث ۱۴۰ میلیون تن توان استخراج، ۷۵ میلیون تن تولید کنسانتره، ۸۸ میلیون تن گندله، ۵۵ میلیون تن آهن اسفنجی اما ۵۹ میلیون شمش و ۶۹ میلیون مقاطع برنامه‌ریزی شده است که ورودی آن‌ها خارج از توان و نامشخص است. این یک عدم توازن نادانسته و مضحک است که نفعی از آن حاصل نمی‌شود و در نهایت وضع به سمتی می‌رود که واحدهای مقاطع و شمش زیر ظرفیت فعال است.

به طور کلی می‌توان گفت پس از شناخت سطوح مختلف ما به یک برنامه عملیاتی هم نیاز داریم. برای برنامه عملیاتی نیاز به نظم فکری و سازمانی و نظام ارزیابی عملکرد وجود دارد. نظام ارزیابی عملکرد از یک سری شاخص‌های تعیین عملکرد استفاده می‌کند که دو رویکرد در این زمینه وجود دارد. یک رویکرد، شاخص عملکردی (KPI) است و یک رویکرد اهداف و نتایج کلیدی (OKR) است و پس از آن باید نقش دولت باز طراحی شده و تاکسونومی سیاستی درست کرد و به سیاست‌پژوهی پرداخت. برنامه عملیاتی (action plan) شامل موارد عنوان فعالیت، شرح فعالیت،

تاریخ آغاز و پایان، نهادها و اشخاص مسئول، پیش‌بینی مخاطرات و موانع و نتیجه مطلوب/انتظاری است که البته همین موارد را در برنامه‌ریزی کشور نداریم.

در بحث مسئولیت‌ها نیز ابزارهایی مانند ماتریس RACI وجود دارد. به عنوان مثال تعیین می‌شود که در این ماتریس نهاد شماره یک در زمینه‌ای مسئول است، پاسخگو است، مورد مشورت است و یا اینکه فقط آگاه است. اگر در این زمینه در رابطه با سند استراتژی بخواهیم صحبت کنیم، نهادهای تولیدی از سطح نهاد صنفی به پایین، فقط آگاه هستند و تنها به آن‌ها اطلاع‌رسانی شده که سندی وجود دارد. شما هنگامی که نهاد مسئول، پاسخگو، مورد مشورت و آگاه داشته باشید؛ آنگاه می‌توانید نهاد کم کار را بازخواست کنید.

در تجربه توسعه صنعتی ژاپن، ۷۵ درصد رشد صنعتی ژاپن با اقدامات فعالانه طرف عرضه، زایباتسوها^۲ و نهادهایی که به آن‌ها رانت تعلق می‌گرفت شکل گرفت با این شرط که رشد صنعتی ایجاد بکنند.

همچنین نگاه متعارف و متوازی که سازمان‌های جهانی هم به آن تمرکز می‌کنند به نظر نگاه درستی نیست؛ هر چند در این سند به سیگنال‌ها اشاره شده ولی باز نگاه‌ها به سمت رشد متوازن است.

^۲ زایباتسو (Zaibatsu): یک اصطلاح ژاپنی است که به شرکت‌های خوشه‌ای صنعتی و مالی، در امپراتوری ژاپن اشاره دارد که نفوذ و سیطره آن‌ها، کنترل بخش‌های قابل توجهی از اقتصاد ژاپن را از دوره میجی تا پایان جنگ جهانی دوم، در اختیار داشت. در هنگام جنگ جهانی دوم چهار زایباتسوی بزرگ ژاپن عبارت بودند از: گروه سومیتومو، یاسودا زایباتسو، میتسویی و میتسوبیشی



پرسش و پاسخ

آقای دانیال داودی:

- به نظر شما نهادی که در ایران وظیفه بازخواست نهادها در حوزه فرآیند توسعه صنعتی را بر عهده دارد، کجا هست؟ با توجه به اینکه سازمان برنامه و شورای عالی هماهنگی قوا در حال حاضر چنین کاربردی ندارند.
- پرسش بعدی این است که منظور شما از نهادهای رسمی و غیررسمی و سیاست‌گذار غیررسمی چیست؟
- نکته دیگر این که اتاق بازرگانی چگونه هزینه مبادله را افزایش می‌دهد؟

- پرسش آخر اینکه منظور شما از رشد متوازن نامطلوب چیست؟ منظور شما این است که در یک سیاست صنعتی همه بخش‌ها را در آن لحاظ نکنیم به آن سیاست متوازن گفته می‌شود؟ در بعضی موارد گفته می‌شود که اگر مسئله عدالت و فرهنگ در کنار رشد در برنامه لحاظ نشود به آن سیاست نامتوازن می‌گویند؛ بنابراین منظور از سیاست متوازن و نامتوازن چیست؟

آقای ضیاء‌تبار:

- سؤال این است که بده بستان موجود در سند توسعه باید به چه میزان باشد، در مسیر توسعه چه چیزی را باید بگیریم و چه چیزی را باید داد؟ چه هزینه‌هایی را باید داد؟
- به نظر شما در سند، توجه به کیفیت کدام رویکرد (پایین به بالا یا بالا به پایین) باید وجود داشته باشد و یا اینکه هر دو رویکرد وجود داشته باشد؟

آقای شیرمهنجی:

- در این سند عمدتاً شاخص‌ها و نوع دیدگاه‌ها بدون در نظر گرفتن فضای صنعتی ایران مطرح شده است. توصیه‌های دیکته شده سازمان‌های جهانی مانند WTO چهارچوب این سند را تشکیل داده است. نظرتان در این مورد چیست؟
- لطفاً در بحث QC منظورتان از نگاه پایین به بالا را توضیح دهید.

پاسخ به سؤالات آقای داودی:

منظور از سیاست‌گذاری، سیاست‌های رسمی و غیررسمی است. وقتی که شما یک بخش غیررسمی دارید که به شکلی عمل می‌کند؛ عملاً سیاستی را اجرا می‌کند و این سیاست به معنای رسمی خود نیست و منظور عامل تأثیرگذار رفتار بخش غیررسمی است.

در رابطه با هزینه‌های مبادله نیز، هزینه‌های مبادله عمدتاً ناشی از بازارهای نامتقارن و اطلاعات ناقص ایجاد می‌شود و نهادهای صنفی از رانت‌های اطلاعاتی در آنجا بهره‌مند هستند که منجر به ایجاد فضایی می‌شود که فعالان غیررسمی به همکاری اعتقادی پیدا نمی‌کنند. نکته دیگر اینکه این نهادها تعهدات خود نسبت به جامعه را انجام نمی‌دهند و کسی هم از آن‌ها بازخواستی نمی‌کند. چرا که از منظر هزینه‌های حسابداری و هزینه فرصت، نظام حسابداری پیچیده



ای وجود ندارد که آسیب این نهادها مشخص شود؛ بنابراین عرض بنده این است که در چهارچوب RACI، نهادها در یک سری از زمینه‌ها مسئول هستند و باید پاسخگو باشند.

ما بحث رشد متوازن را مطرح کرده بودیم؛ نقد ما بر رشد متوازن در این است که همه موارد مثل حقوق مالکیت تا مالیات را در این نوع برنامه استراتژیک لحاظ می‌شود؛ اما راهکار صحیح در این است که باید زنجیره‌ای از سیاست‌ها، با یکسری اقدامات عملیاتی در یک رشته فعالیت خاص، اولویت‌بندی و انجام شود.

نکته دیگر آنکه من در این سند فقط یکجا توجه به ملاحظات اجتماعی را دیده‌ام و آن هم در سطح کلان بوده است. بیشتر به بحث آمایش منطقه‌ای در سند پرداخته‌اند و به بحث عدالت اجتماعی پرداخته نشده است.

در رابطه با شورای عالی هماهنگی اقتصادی نیز این موضوع مطرح است که کمیته‌ها دو کارکرد دارند. اول آنکه در شرایط اضطرار به وجود می‌آیند که نهادهای کنونی پاسخگو نباشند. دوم آنکه کمیته به صورت غیررسمی برای سلب مسئولیت است. تبدیل به محملی برای عدم مسئولیت‌پذیری و توپ را انداختن به زمین دیگران می‌شود.

پاسخ به سؤالات آقای ضیاءتبار:

بده بستان توسعه صنعتی، هزینه دارد. مثالی که می‌توان گفت این است که سیگنال‌های قیمتی در جاهای مختلف زنجیره به وجود می‌آید و کمبودها رخ می‌دهد (چه در زمینه نیروی انسانی، چه در زمینه نهادهای صنعت) و این‌ها باعث افزایش مقطعی قیمت‌ها می‌شود و گفته می‌شود در این شرایط دولت‌ها سیگنال‌ها را تضعیف نکنند اما در جای دیگر به اقشار مختلف کمک بکنند. گفته می‌شود که کره جنوبی چند دهه فقر با درصد بالایی از جمعیت را تحمل کرد تا به این سطح از توسعه اقتصادی رسید.

پاسخ به سؤالات آقای شیرمهنجی:

در بحث کیفیت نیز، سند به کیفیت پرداخته است و یکی از نقدها هم همین است؛ اما نگاه فعالانه به کیفیت، نگاه پایین به بالا است. مثلاً از نگاه مصرف‌کننده و تولیدکننده، مصرف‌کننده خواهان کیفیتی از تولیدکننده باشد. تجربه موفق جهانی، تجربه پایین به بالا است و همان‌طور که گفتم در این سند به نقش کیفیت و سازمان‌هایی مانند سازمان ملی استاندارد پرداخته نشده است.

نقد دیگری که می‌توان عنوان کرد این است که این سند بدون تغییر، دوباره به اسم سند توسعه صنعتی ۱۴۱۴ منتشر شده است. چرا که برنامه‌ها برای اجرا نیاز به زمان‌بندی و چهارچوب زمانی دارند و شما هنگامی که سندی را تدوین می‌کنید و افق آن را تغییر می‌دهید عملاً بیانگر این است که کاری انجام نشده است.



«نقشه کلان راهبردی صنعت، خیلی چیز مهمی است؛ این را دنبال کنید. ما نیاز داریم به اینکه سندی تهیه بشود؛ در این زمینه باید سند نقشه راهبردی صنعتی کشور را تهیه کنید و این را تصویب کنید. یکی از دوستان اشاره کردند که با رفت و آمد دولت‌ها و تغییر دولت‌ها، [برنامه] نباید تغییر پیدا کند. این‌ها اگر چنانچه به صورت یک سند مصوب قانونی مستمری در دسترس باشد، از آن در طول سال‌های متمادی استفاده می‌شود.»

بیانات مقام معظم رهبری

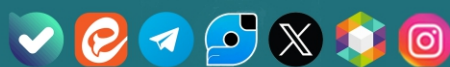
۱۴۰۰ / ۱۱ / ۱۰

تهران، بالاتر از چهارراه ولیعصر (عج)، خیابان بزرگمهر، خیابان سرپرست، پلاک ۱

۰۲۱-۶۶۹۷۴۳۲۸

www.hekmatac.ir

@hekmatac_ir



نشانی:

شماره تماس:

وبسایت:

درگاه مجازی:

